

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

انواع حکومتها (شیوه های حکومت)

معیار انواع حکومت ها را می توان در محورهای ذیل خلاصه کرد

- الف) طبقه بندی حکومت، بر اساس تعداد حاکمان، در سه محور.
- ب) معیار تمرکز قدرت و پراکندگی آن در کشور.
- ج) معیار مشارکت شهروندان
- د) معیار جهان بینی الهی.

تقسیمات سه گانه حکومت ها (بر اساس تعداد حاکمان)

- حکومت فردی
- پادشاهی موروثی
- پادشاهی استبدادی
- پادشاهی انتخابی
- پادشاهی مشروطه

حکومت فردی

- حکومت فردی: در حکومت فردی، سلطان یا شاه در رأس حکومت قرار دارد و بدون مسئولیت و به میل و رأی خود اعمال قدرت می کند. در قرآن کریم هر گاه ذکری از تاریخ پادشاهان به میان آمده به حرص و طمع و طغیان آن ها نیز اشاره شده است.
- در این باره در سوره نمل، آیه ۳۴ می خوانیم :
(و ان الملوک اذا دخلوا قرية افسدوها و جعلوا اعزة اهلها اذلة)
- پادشاهان هر گاه وارد شهری شوند آن جا را به فساد و تباهی کشانده، عزیزان آن جا را خوار و ذلیل می کنند.
- حکومت فردی کهن ترین شکل حکومت است. در عصر جدید، به واسطه افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور کشورها از حکومت های فردی کاسته شده است.
- معمولاً حکومت های فردی در شکل پادشاهی به شکل «موروثی» ، «انتخابی» ، «استبدادی» ، و «مشروطه» یافت شده است:

پادشاهی موروثی

- پادشاهی موروثی: حکومتی است که بر مبنای رسومی که طی زمان های متمادی به وجود آمده است شکل گرفته است و حکومت از طریق ارث به حاکمان بعدی منتقل می شود.
- چگونگی انتقال حکومت را قانون اساسی یا سنت و عرف تعیین می کند.

پادشاهی استبدادی

- پادشاهی استبدادی: پادشاهی استبدادی یا مطلقه، حکومتی است که پادشاه قدرت و اختیاراتش را بنا به میل و اراده خود اعمال می کند و اداره مملکت تابع هیچ قانونی نیست. خواست پادشاه حکم قانون را دارد و هر سه قوه در دست پادشاه است. در گذشته، بسیاری از حکومت های پادشاهی استبدادی بوده اند که قانون بنا به خواست آن ها وضع و اجرا می شده است.

پادشاهی انتخابی، پادشاهی مشروطه

- پادشاهی انتخابی: در گذشته، برخی از پادشاهان توسط بزرگان یک جامعه انتخاب می شدند، اما به مرور زمان به موروثی گرایش یافته اند.
- پادشاهی مشروطه: پادشاهی مشروطه یا محدود حکومتی است که قانون اساسی قدرت پادشاه را محدود کرده باشد و پادشاه بر طبق قوانین تصویب شده حکومت کند، نه مطابق میل و دلخواه خود.
- در نظام مشروطه پارلمان و تفکیک قوا وجود دارد.
- تفاوت پادشاهی مشروطه با جمهوری: آن است که در جمهوری رئیس قوه مجریه از سوی مردم انتخاب می شود، اما در پادشاهی مشروطه انتقال حکومت از طریق وراثت است.
- امروزه، در برخی کشورها چون انگلیس و ژاپن نظام مشروطه برقرار است.

حکومت گروهی (طبقاتی)، اریستوکراسی

- **حکومت گروهی (طبقاتی)** : در طول تاریخ، با حکومت هایی مواجه ایم که در آن ها حاکمیت در دست گروه خاص است، گروهی که مدعی برتری فکری یا طبقاتی اند و خود را برای به دست گرفتن حکومت محق می دانند **برخی شکل های حکومت گروهی عبارت اند از:**

- **اریستوکراسی:** حکومت به دست گروهی اندک است که مدعی برخورداری از تبار بلند و شرافت طبقاتی اند.

مبنای اریستوکراسی توارث یا ثروت می باشد. این مدل حکومتی در طبقه بندی حکومتی ارسطو و افلاطون آمده است.

از منظر ارسطو، اریستوکراسی حکومتی است که به دست گروهی از مردم اعمال می شود و صلاح عموم را در نظر دارد. پس در اریستوکراسی، بخش کوچکی از شهروندان در اداره جامعه و تدوین سیاست ها نقش دارند.

الیگارشی

- الیگارشی: در این شیوه حکومت نیز اداره جامعه به دست گروهی اندک است.

از منظر ارسطو، الیگارشی شکل فاسد اریستوکراسی است که در آن ثروت نقش اساسی دارد. بر حسب این تعریف، بسیاری از حکومت ها، در جهان معاصر، الیگارشی هستند.

یکی از انتقاداتی که از سوی برخی منتقدان از جمله شومپیتر بر دموکراسی های غربی وارد شده، آن است که این حکومت ها الیگارشی هستند، گرچه عنوان دموکراسی را یدک می کشند.

حکومت نخبگان

- حکومت نخبگان: امروزه، در نظریات سیاسی معاصر از حکمرانی اقلیت به حکومت نخبگان یاد می شود. در هر جامعه ای، شماری از نخبگان فکری، در عرصه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، وجود دارند که می کوشند به هرم قدرت نزدیک شوند و حکومت را به دست گیرند. از منظر نظریه پردازان نخبه گرایی، حاکمیت احزاب در کشورهای غربی حاکمیت نخبگان است، نه دموکراسی که از آن دم زده می شود. در ایتالیا و آلمان، فاشیست ها خود را گروه نخبه می دانستند. در کشورهای مارکسیستی طبقه کارگر گروهی است که حاکمیت را به دست می گیرد.

(اسلام اشرافیت و برتری های طبقاتی، را ملاک تقدم و اولویت نمی شناسد)

جمهوری

- در حکومت جمهوری، اقتدار و مناصب دولتی از طرف مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم به حکام واگذار می شود. حکومت جمهوری در مقابل حکومت سلطنتی است و به حکومتی اطلاق می شود که اولاً حاکم به طور مستقیم از سوی مردم و یا غیر مستقیم از طرف پارلمان انتخاب شود. حاکم برای مدت محدود انتخاب می شود. حاکم هیچ امتیاز شخصی بر دیگران ندارد و در مقابل قانون مسؤول است.
- حکومت جمهوری امروزه به شکل های گوناگونی در کشورها جریان دارد. در بعضی از کشورها رئیس جمهور مستقیماً از سوی مردم انتخاب می شود و در برخی کشورها به طور غیر مستقیم، یعنی رئیس جمهور با واسطه از جانب مردم انتخاب می شود، مثل رژیم حاکم بر ترکیه که رئیس جمهور توسط آرای نمایندگان مجلس انتخاب می شود. رژیم جمهوری یا ریاستی و یا پارلمانی است.

جمهوری پارلمانی ، جمهوری ریاستی

- جمهوری پارلمانی: گاهی از آن به سیستم کابینه ای نیز یاد می شود. در نظام پارلمانی، ریاست تشریفاتی از ریاست قوه مجریه جدا است. کابینه در دست یک حزب یا ائتلافی از احزاب است و وزرا عضویت مجلس مقننه را دارا هستند. هم چنین کابینه وضع قوانین بودجه و انتصابات را به عهده دارد. کشورهای مشترک المنافع و تابع انگلیس سیستم پارلمانی دارند.

ارزیابی سیستم جمهوری

- در نظام های بشری، جمهوری از شکل های خوب حکومت است که در بسیاری از کشورهای جهان رواج دارد و همان طور که اشاره شده یا مستقیم است، یعنی رئیس جمهور با آرای مستقیم مردم برگزیده می شود و یا غیر مستقیم است، یعنی رئیس جمهور توسط نمایندگان مجلس انتخاب می شود. طبیعی است که در مقایسه با دیکتاتوری در چنین نظامی ظلم کم تری صورت می گیرد.
- علی رغم آن که برخی کشورها نام جمهوری را یدک می کشند، اما در آن ها حاکمیت فردی و دیکتاتوری جریان دارد. برخی از کشورهای جهان سوم در ظاهر جمهوری اما در مقام عمل دیکتاتوری هستند. در برخی از این کشورها رئیس جمهور مادام العمر است و قوانین نیز ناشی از خواست و اراده او است. جمهوری آتاتورک در ترکیه، جمهوری عراق و در بسیاری از دیگر کشورها از این جمله اند.
- حکومت الهی با حفظ حدود و قوانین اسلامی می تواند در قالب جمهوری جنبه عملی بیابد. طبیعی است حاکمیت در چنین حکومتی از آن خداوند است و رجوع به آرای عمومی در چارچوب احکام دین صورت می گیرد.

طبقه بندی حکومت ها به متمرکز و فدرال

- حکومت ها به لحاظ تمرکز قدرت در پایتخت یا پراکندگی آن در ایالت ها به دو دسته متمرکز و فدرال طبقه بندی می شوند.
- **حکومت متمرکز:** در حکومت متمرکز، قدرت در پایتخت متمرکز است و حق اعمال قدرت به حوزه کوچک تری، مثل ایالت و شهر، تفویض نمی شود، گر چه ایالت ها و استان ها اختیارات خاصی دارند که در قوانین عادی پیش بینی شده است. از مزایای چنین حکومتی یک سان بودن قوانین و طرز اداره کشور است.
- **حکومت فدرال:** در کشورهای فدرال قدرت بین دولت مرکزی و ایالت ها تقسیم شده است و هر ایالت سیاست خاص خود را اعمال می کند. کشورهایایی که دارای قلمرو وسیع، تنوع ناحیه ای و جغرافیایی، ناهمگونی نژاد، ملیت، زبان و دین هستند با این نوع حکومت سازگارترند. در قانون اساسی کشورهای فدرال، به جز وظایف معین و مشخصی که برای دولت مرکزی در نظر گرفته شده، سایر اختیارات و وظایف به دولت های محلی واگذار شده است. (معمولا امور بین المللی، جنگ ها، پول رایج و مهاجرت مربوط به دولت مرکزی است و سایر اختیارات بین ایالت ها تقسیم می شود).

طبقه بندی حکومت بر حسب مشارکت شهروندان

- حکومت توتالیتر
- ارزیابی حکومت توتالیتر
- حکومت دمکراسی

حکومت توتالیتر

- واژه توتالیتر نخستین بار توسط موسولینی ابداع شد. وی حکومت توتالیتر را چنین تعریف کرد: سیستمی که در آن همه چیز برای دولت وجود داشته باشد، هیچ چیز خارج از دولت و علیه دولت نباشد.
- در حکومت توتالیتر، همه جنبه های زندگی شهروندان زیر نظر حکومت است، تا بر اساس خواست حکومت و حزب هدایت شود.

ویژگی های حکومت توتالیتر که ویژه جوامع صنعتی قرن بیستم است عبارتند از:

- ۱. ایدئولوژی ای که در برگیرنده همه جنبه های زندگی باشد و همه افراد بدان پای بند و وفادار باشند.
- ۲. حزب فراگیری که غالباً یک نفر آن را رهبری می کند و متشکل از بخش کوچکی از کل جمعیت است.
- ۳. نظام پلیسی نیرومندی که از تکنولوژی مدرن، برای جاسوسی، تعقیب و مراقبت، بهره می برد.
- ۴. کنترل کامل رسانه های گروهی به وسیله حزب.
- ۵. استفاده عمدی از ترور جهت نیل به اهداف.
- ۶. کنترل متمرکز اقتصادی.
- ۷. تعارض و برخورد با امور معنوی. (۳)

ارزیابی حکومت توتالیتر

- (الف) حکومت توتالیتر استبداد مدرن است و ظالمانه ترین حکومتی است که بشر در طول تاریخ با آن مواجه بوده است. در گذشته، حکومت های دیکتاتوری فراوان بوده اند، به گونه ای که بخش وسیعی از مناطق کره زمین زیر سلطه حکام مستبد و فاسد بوده است. تفاوت دیکتاتوری جدید که توتالیتر نامیده می شود با نظام های استبدادی پیشین، در این است که نظام توتالیتر می کوشد که صنعت و تکنولوژی را به استخدام خود درآورد و در تار و پود زندگی شهروندانش مداخله کند. در نظام توتالیتر، حریم شخصی معنا ندارد و زندگی فردی شخص نیز در خدمت دولت است. و دولت مخدومی است که همه در خدمت او هستند به دیگر سخن شهروندان به مثابه ابزاری در خدمت ماشین دولتند.
- (ب) حکومت اسلامی هیچ سنخیتی با نظام توتالیتر ندارد، در اسلام حکومت خادم مردم است و حاکمان جامعه اسلامی بر اساس تعالیم اسلام اعمال حاکمیت می کنند. حکومت امانتی الهی در دست حاکمان است و به محض تخطی از قوانین اسلامی و سهل انگاری در آن ها مشروعیت ایشان مخدوش می شود.

حکومت دموکراسی

- دموکراسی حکومتی است که در آن، شهروندان مشارکت دارند و احزاب و جامعه مدنی فعالند. حاکمیت از آن مردم است و مردم در انتخاب حاکمان و تدوین خط مشی های اساسی نقش دارند.
- حکومت دموکراسی گاه به صورت جمهوری است، چنان که در بسیاری از کشورهای مدعی دموکراسی، برقرار است و گاه به صورت مشروطه است؛ چنان که حکومت های انگلیس و ژاپن در عین دموکراتیک بودن، سلطنتی مشروطه نیز هستند.

طبقه بندی حکومت ها بر حسب جهان بینی

• حکومت الهی

• حکومت طاغوتی

• انحصار طلبی (استتار)

• قدرت طلبی

• تکبر و برتری طلبی

حکومت الهی

در این حکومت منبع قانون خداوند است که بر اساس حکمت، مصالح و شناختی که از ابعاد وجودی انسانی دارد تشریع می کند و حکومت امانتی در دست حاکمان به شمار می آید. در حکومت ایده آل دینی، حاکم باید دارای ملکه عصمت بوده از مدیریت و علم به قوانین برخوردار باشد تا جامعه را بر طبق قوانین الهی اداره کند. از آن جا که در تفکر اسلامی حکومت از اهمیت شایانی برخوردار است، در عصر غیبت که جامعه از حضور امام معصوم محروم است امر حکومت به اشخاصی واگذار شده که شباهت بیش تری به امام معصوم داشته باشند. و علاوه بر فقاہت دارای ملکہ تقوا و ورع باشند و توان مدیریت اداره جامعه را نیز داشته باشند.

حکومت الهی، با حفظ شرایط فوق، می تواند در قالب های گوناگونی تحقق یابد؛ ولی همان گونه که متذکر شدیم، حکومت الهی استبدادی و یا توتالیتر نیست؛ زیرا در حکومت استبدادی ملاک قانون خواست حاکم است؛ اما حاکمیت در حکومت الهی از آن خداوند است و همه افراد، از جمله پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) و در عصر غیبت حاکمان اسلامی، مطیع خداوند و اجرا کننده قوانین و احکام الهی هستند.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

«و لو تقول علینا بعض الاقاول. لأخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین» (۴)

اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چیزی بر ما می بست (می افزود) او را با قدرت تمام اخذ می کردیم، سپس رگ گردن او را قطع می کردیم.

در حکومت الهی کار ویژه حکومت صرفا ایجاد امنیت و یا رفاه نیست، بلکه همان گونه که در تعریف واژه سیاست اشاره شد حاکم اسلامی نقش هدایت جامعه از گمراهی به سوی آرمان های الهی را نیز دارد و تلاش می کند تا ضمن ایجاد محیطی مساعد، زمینه رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا، عدالت و فسادزدایی را مهیا کند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران از سویی، حکومت جمهوری است؛ یعنی اداره کشور بر آرای عمومی متکی است، انتخاب رهبران عالی جامعه، اعم از رهبری، ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس، مستقیما یا غیر مستقیم، با مردم است و رئیس جمهور و نمایندگان مجلس برای مدت معین انتخاب می شوند. از سوی دیگر، اسلامیت قیدی است که بیانگر محتوای حکومت اسلامی است. تفاوت جمهوری در ایران با جمهوری های دیگر با قید «اسلامی بودن» آشکار می شود. در نظام اسلامی، مشروعیت حکومت ناشی از خداوند است و رجوع به آرای مردم نیز در چارچوب احکام اسلامی انجام می گیرد. به هر حال، اسلامیت، بیانگر محتوای حکومت و جمهوری، بیانگر شکل آن است.

نظام های سیاسی مبتنی بر اومانیسم، که حاکمیت را از آن انسان می دانند، در هر شکلی که تجلی یابد طاغوتی است؛ چرا که انحراف از قوانین اسلامی و تجاوز به حق ربوبیت الهی طغیان و ظلم محسوب می شود.

در قرآن کریم برخی ویژگی های نظام طاغوتی ترسیم شده است:

• دیکتاتوری، استبداد و خودکامگی: در گستره تاریخ، یکی از آفت های بزرگ حکومت ها و قدرت های سیاسی استبداد و خودکامگی حاکمان بوده است. استبداد یعنی پیروی از آرای آمیخته با هوا و هوس شخصی که نتیجه طبیعی آن عدم رعایت مصالح افراد جامعه است. شخص مستبد به جای مصالح جامعه به مصلحت خود و پارانیش می اندیشد. اشاره کردیم که اندیشمندان فلسفه سیاسی کوشیده اند تا از تمایل یافتن حکومت به استبداد جلوگیری کنند و در این راستا، پیش گیری از استبداد از دو راه امکان پذیر است: یکی قانون و دیگری نظارت عامه مردم. البته در تفکر دینی، علاوه بر این دو راه «تقوا» نیز به عنوان عامل درونی کنترل کننده به شمار می رود. امروزه، در نظام بین الملل نوعی هرج و مرج حاکم است و قدرت های جهانی نوعی استبداد بین المللی را حکمفرما ساخته اند. کشورهای بزرگ گرچه در ظاهر به آزادی مردمشان احترام می گذارند، اما در سطح جهان به آرای مردم اعتنایی ندارند و تعریف حقوق بشر را ساری و منطبق بر آن نمی دانند.

• انحصار طلبی (استثنا): دیگر ویژگی حکومت طاغوتی و جاهلی استثنا و خودگزینی یعنی هر چیز خوب را برای خود خواستن است.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «من ملک استأثر؛ هر کس به حکومت و قدرت می رسد، استثنا (انحصار طلبی) پیشه می کند.»

انحصار طلبی در مقابل ایثار است که در نظام اخلاقی اسلام از اتفاق برتر است. ایثار ویژگی تربیت شدگان مکتب اهل بیت است: «و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة» طبق فرهنگ قرآنی نعمت های الهی، اعم از مادی و معنوی، برای همه انسان هاست: «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» و هر حرکتی در جهت انحصاری کردن آن امری غیر اسلامی است. انحصار طلبی حکام اولاً موجب تقدم مصالح شخصی بر مصالح عامه می شود و ثانیاً موجب سرپایان این خصلت ناروا به مردم و شهروندان می گردد.

- **قدرت طلبی:** حکام طاغوتی قدرت طلبند و سعی می کنند کلیه مناصب و قدرت ها به آن ها ختم شود. در اسلام، مقام و مسؤولیت اجتماعی برای کامجویی نیست و قدرت و سیاست ابزاری در جهت احقاق حق و استکمال انسانی است. هر چه مسؤولیت بیش تر و بزرگ تر باشد، بار وظیفه سنگین تر است. امام علی (علیه السلام) در پاسخ ابن عباس که کفش وصله دار حضرت را بی ارزش دانست فرمود: «و الله لهی احب من امرتکم هذه الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا»
- **تکبر و برتری طلبی:** حکام طاغوتی مستکبرند و این امر موجب عدم مشورت با مردم می شود. خود بزرگ بینی مانع نزدیکی به مردم و ایجاد رابطه صحیح با آنان می گردد: «ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا یستضعف طائفة منهم» (۵) همانا فرعون در زمین تکبر و گردن کشی کرد و بین اهل آن تفرقه و اختلاف افکند.
- نظام طاغوتی مردم را دسته دسته می کند و اتحاد آن ها را به تفرقه مبدل می سازد و آن ها را به خود جلب می کند: «فاستخف قومه فاطاعوه» (۶)
- فرعون (با تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون ساخت تا همه مطیع فرمان او شدند.
- **لازمه به اطاعت و داشتن مردم** در هم شکستن همه عوامل استقلال و شخصیت است. در مقابل، نظام اسلامی متکی به مردم است و به جای دولتمداری مردم مدار است. دولت اسلامی در خدمت مردم است، **چنانکه امام قدس سره، بر دولت جمهوری اسلامی عنوان «دولت خدمتگزار» را اطلاق می کرد.**
- بنابراین، اگر قدرت های استکباری به مردم بی اعتنایی می کنند و از مردم نظرخواهی نمی کنند و به افکار مردم اعتنایی ندارند، نظام اسلامی به مردم تکیه دارد و مقتضای حقوق متقابل حکومت و مردم است، بلکه می توان گفت: مقتضای مفهوم ولایت نیز همین است.

فهرست شیوه های حکومت

- پادشاهی
 - پادشاهی مطلقه
 - پادشاهی مشروطه
 - دایارشی
- خردسالاری
- غوغاسالاری
- اشراف سالاری
- پانارشیزم
- مجلس محوری
- زرسالاری
- رییس جمهور
- حکومت دست نشانده
- جمهوری
 - اسلامی
 - پادشاهی
 - کابینالیسم
 - مشروطه
 - فدرال
 - پارلمانی
- حکومت سوسیالیستی
- سوسیوکراسی
- فن سالاری
 - رایسالاری
 - نتوکراسی
- تالاسوکراسی
- دین سالاری
 - حکومت اسلامی
 - خلافت اسلامی
- تایموکراسی
- تیرانی

- قتدارگریزی
- نخبه سالاری
- حکومت کمونیستی
- کشورگان
- دولت انداموار
- دمارشی
- مردم سالاری
 - مستقیم
 - نماینده
 - اجماع
- استبداد
- یکه سالاری
 - خودکامگی
 - دیکتاتوری نظامی
 - اقتدار سالاری
 - تمامیت خواهی
- حکومت استبدادی
- فاشیسم
- حکومت فدرال
- فئودالیسم
- بیر سالاری
- دزد سالاری
- زور سالاری
- کریتاریه
- لوگوکراسی
- شایسته سالاری
 - ژنیوکراسی
- مینارشیسم

حاکمیت

● حاکمیت شامل این مفاهیم است:

- وضع و اصلاح قوانین
- قدرت سیاسی و اخلاقی دولت
- استقلال سیاسی و قضایی یک جامعه
- حاکمیت بسته به نوع و شیوه حکومت متفاوت است. در **جمهوری‌ها** معمولاً حاکمیت را به مردم نسبت می‌دهند و در **پادشاهی‌ها** به پادشاه نسبت داده می‌شود. حاکمیت خود دو نوع است. **حاکمیت داخلی** به معنی قدرتهایی که دولت بر اتباع خود و یا بر خارجی‌ان ساکن کشور خود و یا کشتیهایش در دریاهای آزاد دار. **حاکمیت خارجی** شامل حق داشتن روابط با سایر دولتها و یا بستن قرارداد و اعلان جنگ است. حاکمیت داخلی شامل حاکمیت سیاسی و حاکمیت قضایی است. دولتها ممکن است حاکمیت خارجی نداشته و این حاکمیت را به دولت دیگری واگذار کرده باشند که در این صورت **دولت تحت‌الحمایه** نام دارند.

سیاست‌های حکومتی

• انواع سیاست‌های حکومتی عبارتند از:

- حکومت‌های لیبرال دموکراسی
- حکومت‌های سوسیال دموکراسی
- رژیم‌های استبدادی

لیبرال دموکراسی

- لیبرال دموکراسی یا دموکراسی آزاد، که همچنین به عنوان دموکراسی قانون اساسی شناخته شده، عبارت است از یک شکل متداول از دموکراسی کارگزار. بر اساس اصول دموکراسی لیبرال، انتخابات باید آزاد و منصفانه، و روند سیاسی باید رقابتی باشد.

تکثرگرایی سیاسی معمولاً با حضور متعدد و مجزای احزاب سیاسی تعریف می‌شود.

- دموکراسی آزاد ممکن است در اشکال مختلف قانون اساسی باشد: ممکن است یک جمهوری مبتنی بر قانون اساسی باشد، مانند ایالات متحده، هند، آلمان و یا برزیل، یا پادشاهی مشروطه (پادشاهی پارلمانی)، مانند انگلستان، ژاپن، کانادا یا اسپانیا. این نظامها ممکن است یک نظام ریاستی (ایالات متحده آمریکا، برزیل)، یک نظام پارلمانی (سیستم وست مینستر، بریتانیا و کشورهای مشترک المنافع، اسپانیا) و یا یک سیستم ترکیبی، نظام جمهوری-پارلمانی (فرانسه) داشته باشند.

دموکراسی‌های لیبرال

- یعنی دموکراسی‌های لیبرال معمولاً دارای حق رای همگانی، اعطای تمام شهروندان بالغ حق رای **بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت یا مالکیت اموال**. از لحاظ تاریخی، با این حال، برخی از کشورها، که به عنوان لیبرال دموکراسی شناخته می‌شوند محدودیت بیشتری در حق رای دادن داشته‌اند، و برخی رای مخفی ندارند. همچنین ممکن است شرایطی برای رای دهندگان لازم باشد مثلاً از رای دهندگان درخواست شود ثبت نام کنند قبل از اینکه به آنها اجازه رای دادن داده شود. تصمیماتی که از طریق انتخابات به دست می‌آید، نه توسط همه شهروندان، بلکه توسط کسانی که در رای دادن شرکت کرده‌اند، اتخاذ می‌شوند.

حقوق و آزادی‌ها

- در عمل، دموکراسی‌ها محدودیت‌های خاصی برای آزادی‌های خاص قائل هستند. به عنوان مثال محدودیت‌های مختلف قانونی از جمله قوانین کیی رایت و قوانینی در برابر افترا وجود دارند. ممکن است برای سخنرانی ضد دموکراتیک، یا تلاش برای تضعیف حقوق بشر و در مورد ارتقاء یا توجیه تروریسم محدودیت وجود داشته باشد. در طول جنگ سرد، در ایالات متحده بیش از اروپا، اینچنین محدودیت‌هایی بر کمونیست‌ها اعمال می‌شد. در حال حاضر این محدودیت‌ها معمولاً بر سازمان‌هایی اعمال می‌شود که ترویج تروریسم و یا تحریک گروه نفرت از آنها استنباط شود. مثالها عبارتند از: قانون ضد تروریسم، بستن پخش برنامه‌های ماهواره‌ای حزب الله، و برخی قوانین علیه سخنان نفرت آور. منتقدان ادعا می‌کنند که این محدودیت‌ها ممکن است فراتر از حد برود و اینکه ممکن است هیچ از حداقل تضمین‌های آیین دادرسی و عادلانه قضایی وجود نداشته باشد.

سوسیال دموکراسی

- سوسیال دموکراسی یا مردم‌سالاری جامعه‌خواه یک ایدئولوژی سیاسی چپ در قالب سیاست کلاسیک است. حرکت سوسیال دموکراسی معاصر مسیر اصلاح نظام سرمایه داری را با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی طی می‌کند.
- ابتدا سوسیال دموکراسی شامل انواع گرایش‌های مارکسیستی از گرایش‌های انقلابی همچون رزا لوکزامبورگ و ولادیمیر لنین تا گرایش‌های مختلفی همچون کاتوتسکی و برنشتاین را شامل بود، اما بخصوص پس از جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر در روسیه، سوسیال دموکراسی بیشتر و بیشتر به گرایشی غیرانقلابی بدل شد.
- تا آن جا که گرایش روزیونیستی که ادوارد برنشتاین نمایندگی می‌کرد، مبنی بر اینکه سوسیالیسم نه از طریق انقلاب که از طریق اصلاحات تدریجی به دست می‌آید تقریباً بر کل سوسیال دموکراسی حاکم گشت. شعار بعضی سوسیال دموکرات‌ها «نه به انقلاب، آری به اصلاح» بوده است. (Evolution, not Revolution)
- در میانه‌های سده بیستم سوسیال دموکرات‌ها از اعمال قوانین جدی‌تر کار، ملی کردن صنایع اصلی و ایجاد دولت رفاهی هواداری می‌کردند.
- امروزه سازمان انترناسیونال سوسیالیستی مهم‌ترین سازمانی است که در سطح جهانی احزاب سوسیال دموکرات را (در کنار احزاب سوسیالیست دموکراتیک) دربر می‌گیرد.

تفاوت با سوسیالیسم دموکراتیک

- سوسیال دموکراسی نباید با "سوسیالیسم دموکراتیک" اشتباه گرفته شود.
- سوسیالیسم دموکراتیک در واقع انشعابی فکری از سوسیال دموکراسی است.
- تفاوت این دو همیشه کاملاً مشخص نیست اما سوسیالیسم دموکراتیک معمولاً چپتر از سوسیال دموکراسی است.
- احزاب سوسیال دموکرات به همراه احزاب سوسیالیست دموکراتیک در "انترناسیونال سوسیالیستی" گرد آمده‌اند.

استبداد

- استبداد ریشه عربی دارد و معنای دقیق آن به زبان فارسی، «رفتار خودکامه، خودسرانه یا دلبخواهی» است.^[۱]
- حکومت استبدادی شکلی از حکومت است که قدرت سیاسی در دست یک حاکم خود گمارده قرار دارد. اصطلاح حاکم مستبد یا/توکرات از واژه یونانی اتوکراسی مشتق شده است.
- الیگارشی (oligarchy) یا حکومت توسط اقلیت در مقابل دموکراسی یا حکومت توسط اکثریت قرار می‌گیرد.
- در حکومت استبدادی دامنۀ اختیارات حاکم و طول دوره حکومت آن‌ها بسیار است و توزیع قدرت عادلانه نیست.
- طرفداران حکومت استبدادی؛ معتقدند که این نوع حکومت امکان انباشت سرمایه، برنامه‌ریزی متمرکز و تصمیم‌گیری قاطع برای رفع موانع راه را برای توسعه فراهم می‌سازد. در حالی که مخالفان این نوع حکومت معتقدند که استبداد باعث احساس بی‌قدرتی سیاسی در بین مردم می‌شود و کارایی و خلاقیت آن‌ها را کاهش می‌دهد.
- حکومت استبدادی نباید با تمامیت‌خواهی (رژیم حکومت متمرکز در یک قدرت مرکزی) مساوی پنداشته شود.

دیکتاتوری

- دیکتاتوری نوعی قدرت مداری است که برخی از ویژگی‌های زیر را داشته باشد:
- در کار نبودن هیچ قانون و یا سنتی که کردار فرمانروا (یا فرمانروایان) را محدود کند و یا آنکه فرمانروا با قدرت نامحدود خود آنها را زیر پا بگذارد.
- به دست آوردن قدرت دولت با شکستن قوانین پیشین.
- نبودن قاعده و قانونی برای جانشینی.
- به کار بردن قدرت در جهت منافع گروه اندک.
- فرمان‌برداری مردم از قدرت دولت تنها به سبب ترس از آن.
- انحصار قدرت در دست یک نفر.
- به کار بردن ترور به عنوان وسیله اصلی کار بست قدرت.
- برخی از این ویژگی‌ها همگانی‌ترند؛ چنانکه می‌توان صفات دیکتاتوری را در مطلق بودن قدرت، به‌زور به‌دست آوردن آن و نبودن قواعدی منظم برای جانشینی خلاصه کرد.

اقتدارگریزی یا آنارشسیسم

- **اقتدارگریزی یا آنارشسیسم** در زبان سیاسی به معنای نظامی اجتماعی و سیاسی بدون دولت، یا به طور کلی جامعه‌ای فاقد هرگونه ساختار طبقاتی یا حکومتی است. آنارشسیسم برخلاف باور عمومی، خواهان «هرج و مرج» و جامعه «بدون نظم» نیست، بلکه همکاری داوطلبانه را درست می‌داند که بهترین شکل آن ایجاد گروه‌های خودمختار است. طبق این عقیده، نظام اقتصادی نیز در جامعه‌ای آزاد و بدون اجبار یک قدرت سازمان‌یافته بهتر خواهد شد و گروه‌های داوطلب می‌توانند بهتر از دولت‌های کنونی از پس وظایف آن برآیند. آنارشسیست‌ها به طور کلی با حاکمیت هرگونه دولت مخالفند و دموکراسی را نیز استبداد اکثریت می‌دانند

نخبه‌سالاری یا آریستوکراسی Aristocracy

- نظریه و عمل گروهی نخبه در امر حکومت است. این گروه معمولاً امتیازات موروثی دارند و از نظر فرمانروایی شایسته‌ترین همه قلمداد می‌شوند. این معنی اصلی اصطلاح است که حاوی توجیهی اخلاقی برای حاکمیت چنین نخبگانی است.

کمونیسم Communism

- کمونیسم (به انگلیسی: Communism) یک ایدئولوژی است که می‌کوشد بر اساس مالکیت مشترک روش‌ها و ابزارهای تولید و در غیاب مالکیت خصوصی یک سازمان اجتماعی ضد دولت‌گرایی فاقد طبقه‌های اجتماعی را ترسیم کند. کمونیسم را شاخه‌ای از مکتب سوسیالیسم می‌دانند. در برخی کشورها که شامل چین و خاور جنوبی هستند کمونیسم را دین و مذهبی نو پایه می‌دانند

کمونیسم به چه معناست

- کمونیسم از ریشهء لاتینی (یونانی) کمونیس به معنای اشتراکی گرفته شده است . اصطلاح کمون و کومون به معنای اشتراکی در قرن نوزدهم نخستین بار در فرانسه به کار رفت. اصطلاح که در بر گیرندهء یک نوع طرز تفکر و ایدئولوژی خاص است

- شعار اساسی و مهم کمونیسم عبارت است از:

الغای مالکیت خصوصی ؛ ۲ از هر کس به قدر توانایی اش و به هر کس به قدر نیازش .

در پایان از زحمات پیرایغ شما استاد ارجمند

و

حوصله شما دوستان سپاس گذارم

گردآورنده

عاطفه دهقان حسام پور